



نقش بانکها در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی

کاظم نجات، فردین روشنی، رامین دارابی، اکبر خلیلی، راضیه خلیلی

چکیده: اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تاثیرها و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت؛ اساس این طرح در سالهای اخیر، پس از تشدید تحریمها علیه ایران از سوی مقام معظم رهبری در واقع تأکیدی دوباره بر راهبرد تامین رشد و بهبود شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله بارویکردی جهادی و پیشرو و استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریمها با ایجاد کمترین بحران است. بانکها بعنوان واسطه‌گران مالی نقش بسیار موثری در تامین مالی و کمک به رشد اقتصادی برعهده دارند و اهمیت این مسئله زمانی قابل درک است، که به این موضوع توجه شود بار اصلی تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی در ایران برعهده سیستم بانکی است. بانکها با جلب مشارکت عموم مردم، تقویت روحیه خودباوری و محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد نقش مهمی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه ایجاد ثبات در اقتصاد و همچنین مقاوم‌سازی آن در برابر تحولات داخلی و بیرونی که تا حد زیادی وابسته به حمایت از کسب و کارهای جدید و مبتنی بر کارآفرینی دارد. و به بهترین شکل از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بخش‌های مهم اقتصاد ملی در قالب اعطای تسهیلات حمایت کند. در این مقاله سعی شده تا نقش بانکها را در پیشبرد اقتصاد مقاومتی با توجه به اهمیت و الزامات آن بررسی؛ و در نتیجه به شناسایی چالشها در سیستم پولی و بانکداری در ایران و از میان برداشتن خسارات و بازسازی ساختارهای ناکارآمد بپردازد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، بانک، بازبانکی

مقدمه:

از ویژگی‌های اساسی مدیریت اقتصادی موفق، داشتن الگوست. در ایران ما مسئله فقدان الگوی مشخص برای مدیریت اقتصاد، به ویژه در برخورد با شرایط چالش و بحران، به سادگی قابل درک است. در وضعیت حاضر که با چالش مهم تحریم همه جانبه غرب



مواجه هستیم، با وجود همه تلاش های غیرقابل انکار انجام شده برای مواجهه با اقدامات دشمنان، فقدان الگویی راهبردی برای مدیریت اقتصادی احساس می شود تا بسیاری از مسائل را از چالش خارج کند یا چالشها فرصت اثرگذاری منفی بر اهداف را پیدا نکنند. آنچه به روشنی در واقعیت اقتصاد ایران دیده میشود آن است که سیاست های اقتصادی پولی، مالی، ارزی، بانکی، اشتغال و تولید بدون ارتباط منسجم و تعریف شده و بعضاً به صورتی کاملاً اقتضایی و موردی، آن هم پس از گسترش دامنه چالش ها، بکار بسته می شوند و از آنجا که ارتباط سیستمی مشخصی میان آنها برقرار نیست، در بسیاری موارد یکدیگر را خنثی میکنند و در مجموع کارایی لازم را ندارند.

وضعیت شاخص های اقتصادی در سال پایانی جنگ 1367 نشان میدهد که این شاخص ها به بحرانی ترین میزان خود در تمام سال های جنگ رسیده بود. شاید بتوان ادعا کرد که از دلایل حضرت امام (ره) برای پذیرش قطعنامه، وضعیت نامطلوب اقتصادی ناشی از فقدان الگوی اقتصاد مقاومتی بوده است. موضوعات جهانی اقتصادی و چالش های اقتصادی مختلف کشور ما موجب شده است که رهبر انقلاب به عنوان مقام ارشد در ایران وارد موضوعاتی نظیر دستورالعمل ها و راهکارهای لازم برای برنامه اقتصاد مقاومتی شود.

اقتصاد مقاومتی نوعی از الگوی اقتصادی است که متمایل به استقلال اقتصادی کشور است؛ چنین اقتصادی معمولاً مخالف اقتصاد وابسته و مصرف گر است و در مقابل اهداف دشمنان حاکمیت مقاومت نموده و سعی می نماید تا ساختارهای اقتصادی موجود را تغییر دهد و آنها را بر مبنای چشم انداز و اهداف جهانی تطبیق دهد. برای تداوم چنین اقتصادی باید در جهت محدود نمودن استفاده از منابع نفتی و کاهش وابستگی کشور به این منابع حرکت نمود و آگاه بود که اقتصاد مقاومتی زمانی که جنگی بر علیه جنگ اقتصادی و جنگ نرم در جریان است، اثربخش خواهد بود. مطالعات تجربی و نظری نشان می دهد، سرمایه نقش مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی ایفا میکند.

از آنجایی که بانک ها می توانند، ابزارهایی را برای رشد و توسعه اقتصادی با کمک سیاست های اعتباری و مالی یا اعطای وام های تجاری، صنعتی و تولیدی فراهم نمایند. آنها همچنین می توانند موقعیتی را برای تشویق و توسعه صادرات، افزایش تولیدات داخلی، توسعه صنعت و کشاورزی و گسترش تجارت خارجی و داخلی و تسهیل واردات و همچنین تشویق مردم به پس انداز ایجاد کنند، نقش حائز اهمیتی در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی دارند. در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد.



حال سوال اینجاست، اقتصاد مقاومتی چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ و نقش بانک ها در اقتصاد مقاومتی چیست؟ اقتصاد مقاومتی به معنای شناسایی حوزه های فشار و تلاش برای کنترل و خنثی سازی آنها و در شرایط ایده آل، تبدیل فشارها به فرصت می باشد. اقتصاد مقاومتی دارای ویژگی های خاصی است که در شرایط فعلی می تواند در مواجهه با دشمنان رژیم و شرایط استراتژیک کشور مورد بحث قرار گیرد .

اقتصاد مقاومتی همسو با کاهش وابستگی و تأکید بر مزیت های تولید داخلی و تلاش برای اتکا به خود است. در ادبیات علمی، از بکارگیری مفهوم اقتصاد مقاومتی مدت زمان زیادی نیست که می گذرد اما میتوان آن را از سخنان رهبر معظم و دیدگاههای متخصصان اقتصاد که اخیراً ارائه شده اند استنباط نمود. این، ابتکار اقتصادی کشوری تحت شرایط خاص است که قصد تولید و توزیع محصولات دارد و سرمایه گذاری های خاص را در کاهش وابستگی به سایر کشورها تحت شرایط بحرانی انجام می دهد. راهبرد اقتصاد مقاومتی معطوف به رویکرد کوتاه مدت و پدافندی نیست بلکه عملکردی با چشم انداز کلان اقتصادی با برنامه های بلند مدت می باشد و رویکردی دوراندیشانه دارد. نظام بانکی کشور با تاسی از منویات مقام معظم رهبری در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی نقش بارز و برجسته ای دارد که متولیان امر با ژرف اندیشی به ایفای رسالت خود در این عرصه مشغولند. این مقاله بر گرفته از بیانات گرانقدر مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی می باشد.

تاریخچه نخستین تحریم ایالات متحده علیه ایران به 1801 باز می گردد. سپس این تحریم ها در دولت های بعدی امریکا ادامه یافت. از سال 2552، شورای امنیت سازمان ملل پنج قطعنامه را در ارتباط با برنامه هسته ای ایران صادر کرد. بلوکه کردن دارایی های اشخاص و شرکت هایی که ادعا شده در برنامه هسته ای یا تولید موشک های بالستیک مشارکت دارند، در بین تحریم های سازمان ملل قرار دارد. نخستین بار در ژانویه 2552، امریکا با ذکر اتهاماتی نظیر داشتن رابطه با یک مؤسسه وابسته به تکنولوژی موشکی در کره شمالی، تحریم یک جانبه ای را علیه بانک سپه اعمال نمود. سپس، در تکمیل فرایند تحریم بانک های ایران، در اکتبر 2550 وزارت خزانه داری ایالات متحده تحریم هایی را علیه سه بانک ملی، ملت و صادرات اعمال نمود. در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم های یک جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه های صلح آمیز هسته ای ایران، واژه ای جدید اقتصاد مقاومتی به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است.

این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب اقتصاد مقاومتی را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند.



از دیدگاه رهبر انقلاب «اقتصاد مقاومتی»؛ یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است - این آن جنبه‌ی مثبت - اما منحصر به کشور ما هم نیست؛ یعنی بسیاری از کشورها، امروز با توجه به این تکانه‌های اجتماعی و زیرروشن‌های اقتصادی که در این بیست سی سال گذشته اتفاق افتاده است، متناسب با شرایط خودشان به فکر یک چنین کاری افتاده‌اند. پس مطلب اول اینکه این حرکتی که ما داریم انجام می‌دهیم، دغدغه‌ی دیگر کشورها هم هست؛ مخصوص ما نیست.

دوم اینکه این اقتصاد درون‌زا است. یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درون‌زا به این معنا است. اما درعین حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این «اقتصاد مقاومتی»، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین درون‌زا است، اما درون‌گرا نیست. اینها را که عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها می‌خواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه - که راه سعادت است - جدا بکنند.

توصیه‌ی مهم در زمینه‌ی «اقتصاد مقاومتی»، یکی توصیه‌ی به بانکها است: بانکها باید نقش ایفا کنند، باید خودشان را تطبیق بدهند با مواد سیاستهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی‌های دولت در این زمینه؛ و میتوانند نقش ایفا کنند، نقش مثبت؛ البته نقش منفی هم میتوانند. توصیه‌ی مؤکد به بخش صنعت و معدن: تحرکشان را باید افزایش بدهند. بار اصلی بیرون رفتن کشور از رکود و عقب‌ماندگی اقتصادی بر دوش بخش صنعت و معدن است؛ باید تلاش کنند، تلاش را باید مضاعف کنند، ظرفیتهای آنها را شناسایی کنند؛ ظرفیتهای زیادی در کشور هست، این ظرفیتهای را فعال کنند. در مورد بخش کشاورزی؛ کشاورزی اهمیت حیاتی دارد. لازم است نگاه دولت و سیاستهای دولتی به بخش کشاورزی، نگاه حمایت باشد؛ همه‌جای دنیا هم همین‌جور است؛ از بخش کشاورزی به‌وسیله‌ی دولتها حمایت میشود. آن وقت باید مشکلات موجود در بخش کشاورزی برطرف بشود؛ مشکلات کشاورزان، مشکلات دامداران - که گاهی شکایتهایی هم به ما میشود - و انسان رنج میبرد از بعضی از مشکلاتی که برای اینها وجود دارد (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶)

سوم اینکه این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح میشود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را



میگیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند.

توسعه اقتصاد دانش بنیان بدون حمایت شبکه بانکی امکان شکل‌گیری ندارد و فردی که تاکنون تجربه مدیریت بنگاه داری را ندارد، چگونه می‌تواند بنگاه دانش بنیان را راه‌اندازی و مدیریت کند. بانک‌ها موظف به نظارت جدی بر عملکرد تسهیلات گیرنده و کمک فکری و مالی هستند. بدون همکاری و همیاری سیستم بانکی امکان تحقق اقتصاد مقاومتی وجود ندارد و باید نگاه علمی به این موارد داشته باشیم.

اقتصاد مقاومتی، عدالت‌محور است؛ یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است. (۰۱/۰۱/۱۳۹۳ - بیانات در حرم مطهر رضوی)

مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند. از منظر رهبر فرزانه انقلاب اقتصاد مقاومتی دانش بنیان است و بر همین اساس نمی‌تواند تدافعی باشد بلکه اقتصادی بلند مدت؛ ایجابی و پروسه‌ای است و الگوی جدیدی است که برای اجرا نیازمند مطالعه دقیق و شرح واقعی مولفه‌ها و متغیرهای خاص آن و چگونگی عملکرد آنها در چارچوب‌های مشخص می‌باشد و نکته‌حایز اهمیت آن است که در کندوکاو مفهوم آن آمیزه‌های غربی را به عنوان تنها ملاک و نصاب قرار ندهیم.

همچنین کاهش وابستگی به صنعت نفت، توجه به صنایع دانش‌محور و سایر ظرفیت‌ها در ایران عناصر اصلی اقتصاد مقاومتی هستند. و سایر موضوعات نظیر مدیریت مصرف هم در سیستم‌های دولتی و هم در سیستم‌های غیر دولتی بر رشد اقتصاد مقاومتی تأثیر می‌گذارد.



تعاریف:

اقتصاد عبارتست از «دانش چگونگی انتخاب افراد و جامعه در بکارگیری منابع محدود برای تولید کالاها و خدمات و توزیع آنها بین افراد و گروه های مختلف برای مصرف جامعه».

اقتصاد مقاومتی^۱

اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه های فشار بوده و در شرایط تحریم تلاش برای کنترل و بی اثر کردن تاثیرات فشار و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت می باشد. لذا باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی بوده و ادبیاتی است که در مقابله با تحریم های بین المللی مطرح شده است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی یک الگوی اقتصادی بومی بر اساس ظرفیت ها و توانمندی های کشور است که با نگاه ویژه خود به منابع داخلی و ملی در تمامی ابعاد خود از یک سو و حمایت، تقویت، توسعه و مدیریت صحیح آنها از سوی دیگر در صدد ایجاد زمینه و فرصت مناسب برای نقش آفرینی عناصر داخلی در تحقق اقتصادی پایدار، پویا و قدرتمند است که در موقعیت های زمانی مختلف و تحت هر شرایطی قادر به حیات و رشد و شکوفایی می باشد. الگویی که از یک سو با رویکرد جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون زاء، پیشرو و برون گرا خود نه تنها فرصت و بستر یک اقتصاد پایدار و مقاوم متکی بر داشته های داخلی را فراهم می کند که سبب رفع نواقص و مشکلات اقتصادی می شود بلکه از سوی دیگر زمینه ساز حضور جدی و موثرتر کشور در سایر عرصه های جهانی می شود.

«اقتصاد مقاومتی»، اقتصاد دانش بنیان است یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در «اقتصاد مقاومتی» تجربه های صاحبان صنعت، تجربه ها و مهارت های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - میتواند اثر بگذارد و می تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. ۱/۰۱/۱۳۹۳

طبق نظر دولتمردان ایران در تعریف «اقتصاد مقاومتی»، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است؛ این روش اقتصادی از نظر تعریف با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد.

اقتصاد مقاومتی، طراحی و مدل سازی ویژه ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن فضای اقتصادی کشور بر اساس فرض وجود حداکثر تحریم ها و فشارها، به صورت فعال و نه منفعل طراحی میشود. در واقع اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری

1-Resistive economy



و عملی برای مدل سازی گونه ویژه ای از اقتصاد است که فعلا نه خود را برای مواجهه با تحریم ها بیش از پیش آماده ساخته است. (پیغامی ۱۳۹۰)

ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی، صرفه جویی در مخارج جاری کشور، کاهش هزینه های رفاهی و تعدیل کارمندا در بخش دولتی دست می زنند که یونان و ایتالیا به خصوص یونان در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم میکند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت ها انجام می شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام ها و کمک های مالی خارجی می انجامد.

تأثیرات تحریم بانک ها بر نظام پولی و مالی ایران

افزایش ریسک منابع و اعتبارات بانکی بر ریسک اعتباری، کاهش اعتماد تأمین کنندگان بین المللی به نظام بانکی، تحمیل هزینه های مالی، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی در نظام مالی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. ساختار بازار پول و سرمایه این ساختار در دوره پس از انقلاب به همراه قانون بانکداری بدون ربا به حضور بانکها در چرخه فعالیت واقعی اقتصادی، فعالیت آن ها در حوزه سهام و تأمین خدمات مالی گسترده موجب شده است. به عنوان مثال، همانطور که مقایسه بین بازار سهام و بانک های تجاری در سیستم مالی نشان می دهد، بانک های تجاری نقش 0/5 برابر مؤثرتری را در اقتصاد ایفا نموده اند. بنابراین، چنین شرایطی کارایی بانک را نشان نمی دهد بلکه فقدان بکارگیری ابزارهای مستقیم سیاست پولی را نشان می دهد. با اصلاح ساختار بانک های دولتی، تنظیم قوانین کنترلی و قوانین این دو بازار و ایجاد زمینه های مورد نیاز برای توسعه بانک های خصوصی، کارایی سیستم بانکی ارتقاء خواهد یافت.

ارکان اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. برای دستیابی به چنین اقتصادی لازم است نگاه بلندمدت به سیاست های اقتصادی وجود داشته باشد و زیرساخت های اقتصاد به گونه ای طراحی شود تا چارچوب کلی اقتصاد در برابر انواع ناملازمات تقویت گردد. همچنین باید با توجه به شرایط جاری اقتصاد کشور و تحریم های بین المللی



تحمیل شده، سیاست‌های خاص و گاهی متفاوت از شرایط عادی اتخاذ گردد. در این صورت اقتصاد مقاومتی در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت نیز قابل تعریف است که به منظور عبور از شرایط بحران کوتاه‌مدت طراحی شده است.

الف: مقاوم بودن اقتصاد

وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضات اقتصاد مقاومتی است که ما مطرح کردیم. اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ۱۳۹۲/۱/۱)

ب: استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی

بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، خود اقتصاد مقاومتی شرائطی و ارکانی دارد؛ یکی از بخشهای همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاستهای اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست. در بعضی از موارد، من از خود مسئولین کشور می‌شنوم که بخش خصوصی به خاطر کم‌توانی‌اش جلو نمی‌آید. ، باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانکهاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرائطش، استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران میدهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود.

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفساد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفساد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتیم، که تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفساد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفساد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر



Iran Academy of
Science and Technology

هم آدمهای ناسالم پیدا میشوند. باید با چشمهای تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه مجریه و قوه قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ۱۳۹۲/۱/۱)

ج: حمایت از تولید ملی

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ حمایت از تولید ملی، آن بخش درونزای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد؛ خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاومسازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر میگذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است، اشتغالشان هم خوب است؛ عمده‌ی واحدهای بزرگ ما وضعیتشان اینجور است اینها خیلی مهمند و در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۰۱)

«اقتصاد مقاومتی»، تولید ملی

باید از فعالیتهای این مجموعه و مجموعه‌های مشابه پشتیبانی بشود. یکی از پشتیبانی‌ها این است که دستگاه‌های دولتی خودشان را موظف کنند که برای محصول این مجموعه‌ها رقیب خارجی نتراشند؛ یکی از بخشهای اقتصاد مقاومتی، تولید داخلی است. تولید داخلی اگر بخواهد رونق پیدا بکند یقیناً باید، هم به آن کمک تزریق بشود، هم از چیزهایی که مانع رشد آن است جلوگیری بشود، هم برای محصولات، بازار به وجود بیاید، هم واردات محصولات مشابه به یک نحوی کنترل بشود - کلمه‌ی ممنوع را به کار نمیریم - و با محاسبه مورد مراقبت دقیق قرار بگیرد، هم در قراردادهای خارجی‌ای که این مجموعه و امثال این مجموعه دارند، دولت کمک بکند. گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گرا است؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ما است، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست؛ که البته بخشهای مختلف دولتی در این زمینه میتوانند سهم داشته باشند. (بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰)



د: مدیریت منابع ارزی

مسئله‌ی منابع ارزی هم مسئله‌ی مهمی است. روی این مسئله دقت کنید، خیلی باید کار کنید. واقعاً باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. حالا اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرفهای گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیفتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.

ه: مدیریت مصرف

یک مسئله هم در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است. مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. باید جلوی اسراف را گرفت و فرهنگ‌سازی و اقدام عملی هم لازم است. فرهنگ‌سازی‌اش بیشتر به عهده‌ی رسانه‌هاست. واقعاً در این زمینه، هم صدا و سیما در درجه‌ی اول و بیش از همه مسئولیت دارد، البته دستگاه‌های دیگر هم مسئولیت دارند. باید فرهنگ‌سازی کنید. ما یک ملت مسلمان علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی هستیم. حقیقتاً در کار مصرف، صرفه‌جویی کنید. صرفه‌جویی، چیز بسیار لازم و مهمی است.

به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید. در دستگاه شما، در وزارتخانه‌ی شما، اگر کار جدیدی انجام می‌گیرد، اگر چیز جدیدی خریده می‌شود، اگر همین اقلام روزمره‌ای که مورد نیاز وزارتخانه است، تهیه می‌شود، سعی کنید همه‌اش از داخل باشد؛ اصرار بر این داشته باشید؛ خود این، یک قلم خیلی بزرگی می‌شود. اصلاً ممنوع کنید و بگوئید هیچ کس حق ندارد در این وزارتخانه جنس خارجی مصرف کند. به نظر من اینها میتواند کمک کند. (بیانات رهبر در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲)

نقش بانک‌ها در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

بانکها با تامین منابع مالی حوزه کسب و کار در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نقش بسیار مهمی را دارند. و با توجه به اینکه اقتصاد ایران از پتانسیل‌های قابل توجهی برای رشد و توسعه اقتصادی برخوردار است، اساس طرح سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری در واقع تأکیدی دوباره بر راهبرد تامین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله با رویکردی جهادی، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا است.

بانک‌ها به عنوان واسطه‌گران مالی نقش بسیار موثری در تامین مالی تولید و کمک به رشد اقتصادی برعهده دارند و اهمیت این مسئله زمانی قابل درک خواهد بود که به این موضوع توجه شود که بار اصلی تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی در ایران بر عهده



سیستم بانکی است. در واقع با توجه به همین موضوع است که در بندهای ۹ و ۱۹ سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، مسئولیت حوزه‌های پولی و بانکی در اقتصاد مقاومتی تبیین گردیده و بر تقویت این حوزه از اقتصاد تاکید شده است. بانک‌ها بر مبنای کارکرد تعریف شده خود، به عنوان تامین کننده و یا واسطه مالی، می‌توانند با تامین به موقع و مناسب منابع مالی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی و نیز با اتخاذ روش‌های ساده و شفاف در ارتباط با مشتریان خود، نقش ممتازی در بهبود فضای کسب و کار و تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا کنند.

در این راستا بازآرایی و اصلاح مقررات و قوانین حاکم بر نظام بانکی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. مقامات پولی کشور هم اکنون سیاست‌ها و برنامه‌های مهمی را برای هم‌گرایی اجزاء و ارکان حوزه پولی و بانکی دنبال می‌کنند. این سیاست‌ها نسبت به دوره‌های قبل هماهنگی و انسجام درونی بیشتری دارد. مثلاً در خصوص کاهش تورم و اجتناب از پدیده‌های شوک‌زا و یا مقابله با نوسانات ارزی، این سیاست‌ها آثار مثبت خود را نشان داده است. برای تقویت بیشتر این تصمیمات و سیاست‌های انتخابی، هم‌راستایی و هم‌ترازی حوزه دیگر سیاست‌های اقتصادی و از جمله سیاست‌های مالی و مالیاتی، سیاست‌های بازرگانی و گمرکی و سایر سیاست‌های بخش عمومی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به تعبیر دیگر، سیاست‌های پولی مناسب ضروری است اما کفایت آن‌ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی بستگی به سایر سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده در بخش‌های دیگر اقتصاد دارد. بانک‌ها در رعایت مقررات، شفافیت بیشتر قراردادهای، کاهش هزینه‌های تمام شده تامین و تجهیز مالی و در نظارت بیشتر بر مصرف منابع می‌توانند به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک کنند.

فعالان اقتصادی از پایین بودن سطح، هزینه و سرعت دسترسی به تامین مالی و سرمایه در گردش رنج می‌برند. البته این موضوع، دلایل مختلفی دارد که لزوماً همه آنها متوجه عملکرد بانک‌ها نیست.

به عبارت دیگر برخی از موانع موجود، از اختیار و کنترل بانک‌ها خارج است. نمونه این مشکلات، پایین بودن سرمایه بانک‌ها و بالا بودن میزان و سطح تقاضای مشتریان آن‌هاست؛ این موضوع در قالب محدودیت‌هایی که از لحاظ مقررات و استانداردهای پرداخت تسهیلات برای بانک‌ها وجود دارد، مانعی در راه تامین اعتبارات مورد نیاز فعالان اقتصادی است.

عدم تناسب نرخ تسهیلات پرداختی در مقایسه با تورم نیز دلیل دیگری است که باعث شده در توجیه‌پذیری برخی پروژه‌ها، اشتباه و انحرافات در کار بانک‌ها و مشتریان آن‌ها ایجاد شود. بعضاً ممکن است که برخی طرح‌ها که در حالت عادی توجیه ندارد، در این شرایط موجه شده و تقاضای تسهیلات را بیش از توان و منابع سیستم بانکی افزایش دهند و یا بالعکس برخی طرح‌های دارای توجیه و اجرا شده، توجیه خود را از دست داده و باعث افزایش معوقات و در نتیجه، کاهش توان اعتبار دهی بانک‌ها شوند.



تلاش بانک ها تامین نقدینگی مورد نیاز بنگاه ها است و اصلا کسب و کار بانکی با دادن تسهیلات و گرفتن سپرده ها مفهوم پیدا می کند. ولی به دلیل مسائلی که پیش تر گفته شد، بدون حمایت مراجع دیگر، ظرفیت بیشتری برای ارائه تسهیلات وجود ندارد. وقوع تخلفات و بی انضباطی در پس دادن تسهیلات حداقل دو پیامد نامطلوب برای بانک ها و نظام اقتصادی به همراه دارد. حجم قابل توجهی از منابع را از کنترل بانک ها برای پرداخت تسهیلات خارج می کند؛ سیستم بانکی را وادار می کند مقررات و شرایط سخت گیرانه تری را بر فرایند پرداخت تسهیلات و تامین مالی فعالان اقتصادی اعمال کند.

این موضوع با این مفهوم که مقررات زدایی و تسهیل شرایط برای اخذ تسهیلات می تواند به ایجاد فضای مناسب کسب و کار منجر گردد، تا حدودی در تعارض است. تردیدی نیست که با فساد و تخلف باید برخورد قانونی صورت پذیرد ولی در همین موضوع مهم می باید با تکیه بر مبنای قانونی، شرعی و عقلایی از مشوه شدن فضای کلی جامعه نسبت به فعالان اقتصادی، مدیران و مسئولان کشور و تزریق ذهنیت منفی به آنان خودداری گردد.

وجود تفاوت شدید در نرخ سود و تسهیلات در سال های مختلف، از مهم ترین عوامل معوق ماندن تسهیلات بانکی است چرا که پایین بودن نرخ تسهیلات بانک نسبت به نرخ بازار، شرایط بازگشت تسهیلات به سیستم بانکی را سخت کرده است و از تمایل دریافت کنندگان به بازگرداندن تسهیلات دریافتی می کاهد.

مشکل مقررات و قوانین مصوب و معضل اعتبارسنجی درست مشتریان از سوی بانک ها نیز باعث افزایش معوقات بانکی شده است. در برخی موارد نیز رکود حاکم بر اقتصاد به تعویق بازپرداخت تسهیلات بانکی توسط فعالان اقتصادی دامن می زند. بر این اساس اگر ریشه این موضوعات حل شود به صورتی که عدم باز پرداخت تسهیلات، نه تنها سودی برای فعالان اقتصادی نداشته باشد بلکه به دلیل ایجاد ضعف اعتباری، زیان هایی برای وی ایجاد نماید، اعتبار سنجی مناسب از مشتریان صورت بگیرد و رونق اقتصادی ایجاد گردد، مشکل معوقات قابل رفع است. همان طور که این معضل ناگهان شکل نگرفته است به طور مسلم، برطرف کردن آن نیز نیازمند یک دوره زمانی است. و البته این دوره زمانی به عوامل مختلفی نیز وابسته است که از آن جمله می توان به آرامش و بهبود فضای کسب و کار در کشور اشاره کرد.

به دلیل شرایط حاکم بر بازار و عدم تناسب میان نرخ سود تسهیلات و تورم از یک طرف و پایین بودن درآمدهای کارمزدی بانک ها، عملاً این نهاد ها بر خلاف برخی ذهنیت های ایجاد شده، سود عملیاتی مناسبی ندارند، بنابراین تلاش می کنند از دیگر فعالیت های خود برای اقتصادی بودن بهره بگیرند.

همان طور که می دانید بانک ها نظیر هر بنگاه دیگری باید اقتصادی اداره شوند. کم بودن سود های عملیاتی و الزام به پاسخگویی به ذی نفعان خود، اعم از سپرده گذاران و سهامداران و مراجع نظارتی، فضای کسب و کار بانکی را متفاوت کرده است.



وجود نسبت های بالای املاک و اموال تملیکی ناشی از شرایط اقتصادی یا مصوبات رد دیوان دولت محصول این شرایط است که با روح اقتصاد مقاومتی در تناقض است.

ایجاد نقطه عطف در مساله بانکداری، نیازمند ایجاد زمینه های تحقق درآمدهای عملیاتی بانکی است. اگر زمینه ایجاد درآمدهای عملیاتی برای سیستم بانکی مهیا شود به طور که نسبت درآمدهای بانک ها به نفع درآمدهای کارمزدی تغییر کند، می توان انتظار داشت بانک ها نه به التزام و اجبار بلکه با تصمیمات مجامع خود شرایط دیگری را تجربه کنند.

تخلف یک امر است ولی توسعه شعب به خصوص شعب با زیر ساخت های نوین متناسب با نیاز مردم و اجرای برخی تکالیف امر دیگری است. طبق نظر سنجی های انجام شده دلیل عمده درانتخاب یک بانک از طرف مشتری نزدیکی شعبه آن بانک به محل کار یا زندگی افراد است. چنین نتایجی منجر شده است که تمامی بانک ها در تحقق اهداف جذب منابع خود، اقدام به افتتاح شعبه در مناطق مختلف کشور نمایند. البته در سال های اخیر توجه بانکداران به بانکداری الکترونیک نیز جلب شده، ولی زمان بیشتری نیاز است تا از فرهنگ شعبه ای به خدمات بانکداری مجازی و الکترونیک برسیم. مردم محق هستند به گونه ای که برایشان آسان تر است از خدمات بانکی بهره بگیرند.

مدیریت مناسب بانک مرکزی و به دنبال آن اعمال سیاست های پولی و مالی مناسب، کنترل نقدینگی و تورم، و نیز توجه به انضباط در مقررات، در ایجاد آرامش بازار ارز و پایین آمدن شدت نوسانات ارزی نقش ویژه ای داشت.

کنترل بازدهی بازارهای موازی و به دنبال آن، جلوگیری از خروج منابع از سیستم بانکی، تعامل سازنده در روابط بین الملل و رفع بخشی از تحریم ها از جمله عوامل زمینه ساز رونق یافتن کسب و کارهای مختلف و حرکت روبه رشد اقتصاد ایران خواهد بود که امیدواریم با تداوم آن ها، شاهد شکوفایی بیشتر نظام بانکی باشیم.

بانکها با جلب مشارکت عموم مردم، تقویت روحیه خودباوری و خوداتکالی و محور قرار دادن رشد بهره وری در اقتصاد نقش مهمی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه ایجاد ثبات در اقتصاد و همچنین مقاوم سازی آن در برابر تحولات داخلی و بیرونی اقتصادی که تا حد زیادی وابسته به حمایت از کسب و کارهای جدید و مبتنی بر کارآفرینی دارد. وبه بهترین شکل از تولیدکنندگان، سرمایه گذاران و پیمانکاران بخش های مهم اقتصاد ملی در قالب اعطای تسهیلات حمایت کند.

هدف دشمن از فشارهای اقتصادی

یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه نکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد. این چیزهایی که الان آنها تهدید



میکنند، تحریم میکنند، جز آمریکا و جز رژیم صهیونیستی، هیچ کس ذی نفع از این تحریمها نیست. دیگران را با زور و با فشار و با رودربایستی و با این چیزها وارد میدان کردند. خب، پیداست که زور و فشار و رودربایستی نمیتواند خیلی ادامه پیدا کند - یک مدتی است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریمهای نفتی و امثال اینها استثناء کنند! دیگرانی هم که استثناء نشدند، خودشان مایل نیستند، و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما میخواهیم، آنها دنبال راه حل میگردند. بنابراین بایستی مقاومت کرد.

ما باید مسائل کشور را با این دید نگاه کنیم؛ آرمانها جلوی چشم ما باشد؛ واقعیتهای تشویق کننده جلوی چشم ما باشد. در مورد واقعیتهای منفی - که در واقع در بعضی موارد واقعیت سازی است، واقعیت نمائی است - دچار اشتباه نشویم. البته توان دشمن را دست کم نگیریم، سهل انگاری و ساده انگاری نکنیم. مسئله، مسئلهی اساسی و مهمی است. شما مثل یک ریاضیدانی که میخواهد یک مسئلهی مهم ریاضی را حل کند، بر سر این مسئله تلاشتان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید. شما ریاضیدان با استعدادی هستید؛ این هم یک مسئلهی ریاضی است. اینجوری باید با مسائل گوناگون برخورد کنید. خوشبختانه انسان مشاهده میکند که همین روحیه هم در دستگاههای گوناگون وجود دارد. به مسئلهی اقتصاد باید با این دید نگاه کرد.

ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همهی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، میتوانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحیها نشان میداد که اینها میخواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطهی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان میتواند مشاهده کند.

مقام معظم رهبری در سال ۸۶ در سخن مطهر علی بن موسی الرضا (علیه الصلوة و السلام) در سخنرانی فرمودند: «شعارهای سال حلقههایی بود برای ایجاد یک منظومهی کامل در زمینهی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئلهی جلوگیری از اسراف، مسئلهی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئلهی جهاد اقتصادی، و تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهی ایرانی. ما اینها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که میتواند حرکت عمومی کشور را در زمینهی اقتصاد ساماندهی کند؛ میتواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم».

الزامات اقتصاد مقاومتی

مسئلهی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاستهای اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته



کارهائی انجام گرفته و تلاشهای بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاههای دولتی کشور و دستگاههایی که میتوانند کمک کنند - مثل قوهی مقننه و قوهی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهائی است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که میتواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگماریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم.

اقتصاد مقاومتی و مدیریت مصرف

مسئله‌ی مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاههای دولتی، هم دستگاههای غیر دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ی تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان میتواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد.

یک بُعد دیگر این مسئله‌ی تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاههای دولتی توجه داشته باشند - دستگاههای حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگمارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهائی با مارکهای معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارکهای خارجی میروند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.

به نظر ما طرحهای «اقتصاد مقاومتی» جواب میدهد. همین مسئله‌ی سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندی نمیشد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر میرفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خوب، امروز در یک حد خیلی خوبی هست. حتی باید جوری باشد که هیچ به بیرون نیازی نباشد، که الحمدلله نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد. و بقیه‌ی چیزهائی که مورد نیاز کشور است.



هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است؛ که اینها میتواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه‌ی رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه‌ی اقتدار یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقی و آبروی بین‌المللی پیدا میکند. این کار بایستی به انجام برسد.

استفاده‌ی حداکثری از زمان، منابع و امکانات

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرحهائی که سالهای متمادی طول میکشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ی کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد. حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیمهای خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هائی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه میزند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاستهای اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود.

برخی از مهم‌ترین چالش‌ها پیش روی نظام بانکی عبارتند از:

1- **تحریم** : هرچند که تحریم‌های بانکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی ایران هستند اما طبق تجربیات، نظام بانکی کشور به خوبی قادر است آنها را مدیریت کند. این تحریم‌ها هزینه‌های نظام بانکی و فعالان اقتصادی را افزایش داده است و عاملان اقتصادی هنوز هم موفق نبوده‌اند. تحریم زمانی موفق است که اعمال‌کنندگان آن بتوانند رفتار طرف مقابل را تغییر داده و به خواست خود برسند که از این منظر تحریم‌ها مؤثر نبوده و بخشی از این امر، به تلاش بانک‌ها برای عبور از تحریم‌ها مربوط است. هزینه‌ای که کل کشور به منظور استقلال می‌پردازد نیازمند مدیریت بوده و بخش‌های مختلف به خوبی این کار را انجام داده‌اند. دولت و مجلس نیز باید بودجه خاصی را برای کمک به بانک‌های آسیب‌دیده، صنایع و شرکت‌ها تخصیص دهند به گونه‌ای که بودجه حمایتی در اختیار بخش‌های آسیب‌دیده قرار گیرد.

تطبیق بازارهای مالی ایران با ارگان‌ها و بازارهای بین‌المللی هرچند که نگرانی اصلی بازارهای مالی، مطابقت با فرهنگ، اهداف و انگیزه‌های شراکت‌های داخلی با پیشرفت‌ها در بازارهای مالی بین‌المللی و توسعه ارتباطات و همکاری فراملی است اما امکان تأمین بازار مالی وجود ندارد. طراحی ورودی‌ها و ابزارها باید با بالاترین دقت ممکن انجام شود به گونه‌ای که در جانب تأمین سرمایه نقدی یا در جانب تقاضا بتوانیم با بازارهای مالی خصوصاً در کشورهای اسلامی تعامل نماییم .



مطابقت با الزامات جهانی سازی بانکداری ایران

جهانی سازی بانکداری مرز بین خدمات مالی بانکی و غیر بانکی را کمرنگ تر می کند. این روند در حال گسترش به برخی از کشورهای اروپایی است و با گسترش محصولات بیمه ای و پدیده ای به نام بیمه بانکی ظهور نموده است. یکی از ابعاد جهانی سازی بانکداری، توسعه ادغام ها و مالکیت های بانک هاست. افزایش ادغام ها به معنای افزایش یکپارچگی است. ادغام و مالکیت ها در بین منابع مالی مهم جهان هستند. این ادغام ها و مالکیت های فراملی اساساً با سازمان های جهانی که انواع مختلفی از خدمات مالی را در تعداد کمی از کشورها ارائه می دهند، در ارتباطند. این ادغام ها دارای دو شکل داخلی و خارجی هستند. در ادغام های داخلی، برخی از بانک های تجاریدر داخل کشور بایکدیگر ادغام می گردند اما در ادغام های خارجی بانک هایی از کشورهای مختلف ادغام می گردد. ارزش هر دو نوع این ادغام ها با گذشت زمان افزایش یافته است. اگر این ادغام ها به طور موفقیت آمیزی اجرا شوند، می توانند به گاهی در هزینه ها و افزایش در سود منجر شوند و هم مشتریان و هم سهامداران را بهره مند نمایند. یکی از مهم ترین و مشهود ترین ویژگیهای جهانی سازی بازارهای مالی و جریان های سرمایه، ظهور ادغام ها و مالکیت های بانکی هم به صورت ملی و هم به صورت فراملی است.

۲- سودآوری: یکی از منابع اصلی سودآوری بانک ها، خدمات بانکداری بین الملل است که با توجه به تحریم ها، این بخش از درآمدها به طور کامل تحقق نمی یابد و نظام بانکی به ناچار باید به ایجاد سود از محل های دیگر و نیز بانکداری داخلی روی آورد. در بانکداری داخلی، عمده ترین منبع درآمدی، سود حاصل از تسهیلات اعطایی است. در اواخر سال گذشته نرخ سود سپرده ها به دلایلی بالاتر رفت و حال آنکه در طرف مقابل یعنی سود تسهیلات، افزایش به اندازه و متناسب با این تغییر نداشت و در نتیجه این امر، کاهش اسپرد^۲ بانکی و در نتیجه کاهش سودآوری بانک ها را موجب شد.

۳- بانکداری بخشی و صنفی: در سال های اخیر گروه های مختلف راساً در خواست تاسیس بانک مختص به خود را داده و در بسیاری از موارد نیز موفق به اخذ مجوز از بانک مرکزی شده اند. این وضعیت می تواند به عنوان یک چالش محسوب شود.

۴- مطالبات غیر جاری: یکی دیگر از چالش های شبکه بانکی، مشکلی به نام مطالبات غیر جاری و یا در اصطلاح عام، مطالبات معوق است. افزایش نرخ سود تسهیلات، رکود ناشی از بحران های مالی و اقتصادی در دنیا، عدم تعمیق و گسترش بازار و بوروکراسی های اداری در نظام اداری و قضایی کشور، همگی بر حجم مطالبات غیر جاری بانک ها افزوده اند. در گذشته که بخش اعظم سیستم بانکی دولتی بود، این مشکل چندان نمودی نداشت، اما در دو سال اخیر وقتی که بانک های خصوصی و

²- (Spread)



خصوصی شده به واسطه ذخایر مورد نیاز برای مطالبات غیر جاری، سودآوری خود را در خطر دیدند، توجه بیشتری به این موضوع پیدا کردند.

5- فن آوری و نو آوری: از مهم ترین چالش های آتی در بانک ها کم توجهی به رشد فن آوری و نوآوری در بانک ها است. بانک ها با ساختار و سیستم های سنتی و با توجه به ساختار و مقررات سخت و عدم رقابت بین المللی از یک سو و بالا بودن هزینه های ارتقای تکنولوژیکی از سوی دیگر، به رشد فن آوری، تکنولوژی و نوآوری سخت محتاج هستند.

6- نظارت: قوانین ناظر بر عملیات بانک ها، به دلیل تعدد، زمانبر بودن برای روزآمدی و مشکل جامعیت، انسجام کافی را برای سیستم بانکی ندارد، به همین دلیل، علی رغم تلاش وافر بانک مرکزی که باعث شده از سال ها پیش، این قوانین در دست بررسی برای تجمیع و به روز شدن باشند، هنوز به قانون جامع و منسجمی برای اداره و نظارت بر شبکه بانکی است نیافته ایم. امروزه جمهوری اسلامی در حوزه های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون چه در عرصه ی نظر و در کتاب های درسی و چه در عرصه ی عمل و تجارب بشری مشابه و مابه ازای واقعی نداشته است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه پردازی و الگوسازی در این عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است.

چالش های نظام بانکی

نظام بانکی کشور یکی از چالشی ترین بخش های اقتصادی در دوره پس از انقلاب بوده است. این نظام نقش کلیدی در اقتصاد دارد، به همین علت همواره فشارهای زیادی از داخل و خارج بر آن تحمیل می شود. چالش ها و موانع توسعه نظام بانکی عبارتند از:

- 1- عوامل خارج از نظام بانکی و عوامل منتج شده از ساختار غیر مولد اقتصاد ایران
 - 2- مشکلات ساختاری بانک و سیستم اجرایی و عملکرد آن ها در حوزه های مختلف .
- اکنون می توان به برخی مشکلات ساختاری و سپس مشکلات اقتصادی ایران اشاره نمود: مشکلات ساختاری بانک ها فقدان ثبات در سیاست های پولی بانک ها در بین مؤسساتی قرار دارند که تحت تأثیر سیاست های پولی قرار دارند. تغییر بدون توجه در روندهای کوتاه مدت نظیر افزایش مبادلات و کاهش آن در بلند مدت، عدم ثبات در سیاست ها (نظیر کاهش نرخ بهره سپرده ها و ادامه روند کاهش آن و سپس توقف ناگهانی آن و گذاشتن سقف و تهدید بانک ها برای تخطی از این سقف ها و یا برداشت از حساب های بانکی به دلیل اختلاف در معامله قطعی همگی مواردی هستند که امکان ترسیم یک مشارکت در متن قرار داد عنوان



شده است، در بعضی از مواقع، مفهوم قرض مشخص می شود. در مباحث مربوط به مشارکت «عقد» بانک و مشتری در سرمایه گذاری شریک می شوند و امکان صحبت در مورد بدهی تا پایان فعالیت وجود ندارد. نکته دیگر این است که مشتریان قرارداد مشارکت را بدون درک درستی از مشارکت امضا می کنند و تنها به وام فکر می کنند.

زیرا از یک طرف، تفاسیر قانونی و مفاهیم مورد استفاده به خوبی درک نشده اند و از طرف دیگر، نظام جدید بانکی (بدون ربا) به مردم معرفی نشده و مردم تفکراتی مشابه با بانک های سنتی نسبت به نظام بانکی فعلی دارند کنترل بانک مرکزی ایران بر مبنای قانون تصویب شده در 1825/10/20 تأسیس شد. در این قانون، هدف از تأسیس یک نهاد مستقل به نام بانک مرکزی، حفظ ارزش پول و مباحث جمع در زمینه حواله های بانکی و وظایف آن در نهاد مالی دولت در داخل و خارج از کشور و تراز نگهداشتن معاملات بود. در 1812/5852 قانون پولی و بانکی جدیدی جایگزین قانون 1825 شد که تغییراتی را ایجاد نمود. بر مبنای این قانون، بانک مرکزی مسئولیت تدوین و اجرای سیاست پولی و اعتباری را بر مبنای سیاست کلی اقتصاد بر عهده دارد. ماده 11 و 12 این قانون وظایف زیر را برای بانک مرکزی به عنوان سازمان دهنده نظام پولی و اعتباری معین نموده است: انتشار اوراق قرضه و سکه های فلزی، نظارت بر بانک ها، سازماندهی قوانین مبادله و نظارت بر معاملات طلا و معاملات مالی دولت. بانک مرکزی مسئولیت سنگین سازماندهی نظام پولی و اعتباری و سیاست های مربوطه و اجرای آن ها را بر عهده دارد. نظام بانکی در چارچوب سه قانون اصلی عمل می کند: قانون پولی و بانکی، ماده مدیریت امور بانک های دولتی و قانون بانکداری بدون ربا نرخ بهره با حذف بهره از نظام بانکی، بانک مرکزی با شکاف نرخ بهره در بازارهای مالی جهان رو به رو شد و برای حل این مسئله نرخ بهره را با نرخ بازشت سرمایه مورد انتظار جایگزین نمود. بر مبنای ماده 8 قانون فعالیت بانکی بدون ربا، در بند ۲ در ارتباط با سپرده های سرمایه گذاری گفته شده است که:

بانک ها از اصطلاح سپرده ها به عنوان منابع سپرده گذاران در شراکت، مضاربه، اجاره مالکیت، مزارعه، مساقات، سرمایه گذاری مستقیم، رهن یا جعاله استفاده می کنند. همانطور که در ماده این قانون عنوان شده است:

«در هیچ یک از سپرده های دریافت شده به عنوان سپرده های سرمایه گذاری، نرخ از پیش تعیین شده ای به عنوان بهره وجود ندارد. بهره حاصل از عملیات مشخص شده در ماده 8 بر مبنای قرارداد امضا شده که وکالت بانک و سرمایه گذار را با توجه به مدت و منبع سپرده های سرمایه گذاری تضمین می کند، بهره پس از تعیین سپرده های قانونی و در نظر گرفتن سهم منابع بانکی بر مبنای مدت زمان و میزان کل سپرده مورد استفاده تقسیم می گردد».

مشکلات تسهیلات خردنظام بانکی ما تسهیلات متعددی را برای خانوارها تأمین می کند که به علت نرخ تسهیلات از یک طرف و فقدان مکانیزم مناسبی برای تخصیص اعتبار، دسترسی به آن ها برای همه یکسان و مشابه نیست. همین امر باعث بروز این مسئله می شود که برخی از افراد به علت ماهیت شغلی شان یا ارتباطات شخصی و غیرشخصی به وام ها دسترسی داشته



باشند. در برخی از واقع، آن ها تسهیلات بیشتری را نسبت به سایر مردم دریافت می کنند. این امر به مشکلاتی برای بانک ها شامل تأخیر در پرداخت منجر شده است.

مسائل تسهیلات کلان یکی از موضوعات در نظام بانکی کشور ما که خودش منجر به مشکلات متعددی شده است، بازپرداخت تسهیلات است. به علت نرخ پایین تر از نرخ تعادل، در بلند مدت نرخ وام ها کمتر از نرخ بهره سپرده بوده و دریافت وام از بانک ها و سپرده گذاری آن در نظام بانکی یک فعالیت بسیار سودآور و بدون ریسک است .

در شرایطی که نرخ بهره وام ها کمتر از نرخ تورم باشد، دریافت تسهیلات به معنای دریافت وام به همراه سود است . به روشنی در چنین ظریطی تقاضا برای وام افزایش می یابد و پاسخ به تمامی تقاضاها ممکن نیست. اما نظارت بر مصرف تسهیلات یکی از وظایف نظام بانکی است بنابراین به علت حجم بالای وام های پرداخت شده، که کنترل آن ها ناکارآمد بوده و مشتریان متمایل به روش های غیرمعمول نظیر رشوه یا استفاده از مقام و سیاست و غیره برای دستیابی به منابع کلان بانکی هستند و در نتیجه در طی یک دوره کوتاه دارایی خود را چند برابر می کنند. در چنین شرایطی، کارآفرینی اولویت صنعت نیست بلکه در عوض، روش های بالا می تواند عاملی برای پیشرفت باشد. فقدان ارزیابی های اعتباری، ضعف در نظام فناوری بانک ها و بانک مرکزی و فقدان نظام رتبه بندی اعتبار به این موضوع منجر شده است که یک شخص بتواند وام هایی را از بانک های متعدد دریافت کند و در پرداخت تمامی آن ها تأخیر داشته باشد. بسیاری از مشتریان بانک بهره بسیار کمی را برای وام پرداخت می کنند و بازپرداخت اقساط را به دوره های آتی محول می کنند (و حتی در بیشتر موارد با درصد کمی افزایش در کل بلغ). چنین وام هایی که تحت عنوان وام های همیشه سبز خوانده می شوند در نظام بانکی ما از سال 2551 بسیار رایج بوده اند. بانک مرکزی از برداشت های اضافی از این بانک ها جلوگیری نمود و سپس با مشکل نقدینگی مواجه شد. نخستین گروهی که به سیستم اعتباری بانک ها اعتراض کردند همین مالکان وام های سبز و از بازپرداخت بدهی هایشان امتناع نمودند. امروزه کسانی که از تسهیلات بانکی به عنوان منابع پولی ارزان استفاده نموده اند چشم پوشی از این منابع را نمی پذیرند و از یک طرف درخواست وام های کم بهره نموده و از طرف دیگر در بازپرداخت آن ها تأخیر نموده اند.

نقش و اهداف سیاست های پولی در توسعه اقتصادی

با توجه به شرایط خاص منابع و مصرف آن ها، بانک ها به عنوان اصلی ترین و مهم ترین نهاد اقتصادی در رشد و توسعه اقتصادی کشور همواره تحت نظارت و انتقاد سهام داران، کارآفرینان و مصرف کنندگان بوده اند. یک نگاه اجمالی به تاریخچه و فرایند تکامل نظام بانکی در ایران و جهان به روشنی نشان می دهد که اعطای انواع وام ها توسط بانک ها بر مبنای اصل اولیه و نقش تعدیل کننده استرداد و اعتماد متقابل بین دو طرف (بانک و مشتری) است. سیاست های پولی به این امر اشاره دارد که مسئولین



پول (بانک مرکزی) برای تأثیرگذاری بر روند دستیابی به مقاصد خاص در اقتصاد باید این اقدامات را انجام دهند. این اصل، سیاست های پولی را به عنوان سیاست های جانب تقاضا در نظر می گیرد که به واسطه آن تحقق اهداف اقتصاد کلان میسر می شود.

تأسیس و توسعه مؤسسات مالی

با ایجاد و هماهنگ سازی بازار پولی و کنترل بانک های تجاری، امکان سازماندهی فرایند اعطای وام و توزیع آن ها برای فعالیت های مولد به صورت بهینه فراهم می شود. تعیین نرخ بازدهی در کشورهای درحال توسعه، به علت فقدان منابع مالی موجود و همچنین فقدان ثبات اقتصادی در این کشورها، اختلاف بین نرخ بهره وام های بلند مدت و کوتاه مدت بسیار زیاد خواهد بود. تأمین منابع مالی مورد نیاز برای اجرای یک سیاست اقتصادی جامع به کاهش قدرت خرید تمامی طبقات منجر می شود و قدرت خرید به دولت انتقال می یابد. هرچند که این سیاست به تورم می انجامد، از طرف دیگر اگر دولت قدرت ایجاد شده را به سرمایه گذاری در فعالیت های مولد بگمارد، از ایجاد تورم در آینده جلوگیری می شود و تورم به تدریج پایین می یابد. اما اگر درآمدها در مخارج جاری دولتی صرف شوند، به رسمیت در ساختار دولت و همچنین افزایش در سطح کلی قیمت ها منجر می گردد.

تفاوت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد ریاضتی

برخی اقتصاد مقاومتی را همان ریاضت اقتصادی می دانند؛ ولی این دو با هم متفاوت است. در اقتصاد مقاومتی محدودیت منابع وجود ندارد، اما استفاده بهینه از منابع موجود باید طی یک برنامه زمان بندی شده صورت گیرد این در صورتی است که در ریاضت اقتصادی با محدودیت منابع و سرمایه روبرو هستیم و به ناچار باید سهمیه بندی کنیم و با کم مصرف کردن با محدودیت های موجود مقابله کنیم.

ریاضت اقتصادی که توسط برخی از دولت ها انجام می گیرد، گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام ها و کمک های مالی خارجی می انجامد، چیزی که کشورهای غربی گریبان گیر آن هستند.

هدف از طرح ریاضت اقتصادی بازپس گرفتن اعتماد از دست رفته، بهبود وضعیت مالی کشورها و توانمند کردن کشورها برای بازیابی طولانی مدت است. در این صورت این دو با هم تفاوت زیادی است چون اقتصاد مقاومتی تبلور اقتصاد در مقابل تحریم ها و



فشارهای خارجی و شکوفایی اقتصادی ملی است که در نتیجه آن رشد تولید داخلی اقتصاد بومی را به ارمغان می آورد و برعکس ریاضت اقتصادی با خودکفایی و استقلال اقتصادی همراه است.

ویژگی های اقتصاد ریاضتی:

۱- شرایط رویش طرح ریاضت اقتصادی: در شرایط کسری بودجه، بحران اقتصادی و شیب تند سقوط شاخص های اقتصادی.
۲- هدف طرح ریاضت اقتصادی: کاهش هزینه های خود و جبران کسری بودجه.
از جمله نتایجی که اجرای طرح های ریاضتی بر اقتصاد دارد، می توان موارد زیر را نام برد:
کاهش تقاضا، کاهش تورم، رقابت و مقابله با کسری بودجه
اثر ریاضت اقتصادی خود را به صورت انعطاف پذیری بازارکار، هزینه هایی که کاهش می یابد، سیاست های پولی، نرخ ارز، رشد جهانی و مداخله بانک مرکزی خود را نشان می دهد.
یکی از روش های رسیدن به اقتصاد مقاوتی از راه صرفه جویی است نه ریاضت؛ در حال حاضر ما شاهد آن هستیم که برخی مدیران به اشتباه ریاضت را به جای مقاومت و صرفه جویی در دستور کار خود قرار داده که می توان به عدم آگاهی آنان از این دو مفهوم اشاره کرد.
بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در دراز مدت به سیاست های ریاضتی روی بیاورد، اما اقتصاد مقاوتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد.
در اقتصاد مقاوتی محدودیتی در منابع وجود ندارد اما استفاده بهینه از منابع موجود باید طی یک برنامه زمان بندی شده صورت گیرد و این در حالی است که در ریاضت اقتصادی ما با محدودیت در منابع و سرمایه ها روبرو هستیم و به ناچار باید با سهمیه بندی و کم مصرف کردن با محدودیت های موجود مقابله کنیم. در اقتصاد مقاوتی قوای سه گانه باید با تعامل بیش از گذشته در یک مجموعه ای که وظیفه هدایت کار اقتصاد مقاوتی را بر عهده دارد، تصمیمات لازم در این ارتباط را اتخاذ کرده و برای اجرا به دستگاه های ذیربط ابلاغ کنند. هر یک از قوا باید با مرور وظایف خود نسبت به رفع چالش ها و موانع در اقتصاد مقاوتی اقدام کرده و هر یک از آنها تعامل با قوای دیگر را در برنامه کاری خود قرار دهند.
ریاضت اقتصادی هم به معنای آن است که بار سختی مشکلات اقتصادی بر روی دوش مردم قرار بگیرد نه طراحان برنامه های اقتصادی و دستگاه اجرایی. اما اقتصاد مقاوتی آن است که بار سختی ها بر دوش طراحان، برنامه ریزان و مجریان طرح اقتصادی است و مسلماً تفاوت فاحشی بین این دو طرح است.



اقتصاد مقاومتی و اقتصاد ریاضتی یا ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل می‌باشند که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد. ریاضت اقتصادی به طریقی گفته می‌شود که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود، گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. اما اقتصاد مقاومتی ماهیت عدالت‌طلبانه داشته و می‌باید عدالت بنیان، همراه با افزایش سطح رفاه و درآمد عمومی باشد؛ زمانی که سطح رفاه عمومی افزایش پیدا کند، سطح مصرف و خدمات دولت به مردم نیز افزایش می‌یابد و این مخالف اقتصاد ریاضتی و به تبع آن کاهش سطح خدمات دولت است.

ویژگی‌های نظام بانکی در اقتصاد مقاومتی

نظام بانکی کشور باید ضمن اتخاذ سیاست‌های صحیح و اصولی در تعامل مستقیم با بانک مرکزی و سایر بانک‌های کشور، از یک سو مزیت‌های رقابتی و سودآوری خود را حفظ نموده، از سوی دیگر باعث تسهیل جریان‌های اقتصادی و تامین نقدینگی در بخش‌های اقتصادی مرتبط با گروه‌های ذینفع و زنجیره ارزش خود شود. در این راستا و با توجه به ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی رهبری معظم انقلاب و دستورها و تکالیف ابلاغی ریاست جمهوری به دستگاه‌های اجرایی، بانک مرکزی مکلف شده است تا تدابیر پولی، اعتباری و ارزی متناسب با این سیاست‌ها را تهیه و در دستور کار شورای پول و اعتبار قرار دهد. پرواضح است که شبکه بانکی نیز باید در تعامل مستقیم با سایر دستگاه‌های ذیربط و به ویژه وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاه دیپلماسی کشور، ترتیبی اتخاذ نماید تا شرایط تحقق یک اقتصاد مولد درون‌زا و برون‌گرا و پیشرو ایجاد شود. در این زمینه نقش نظام بانکی کشور به عنوان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های توسعه اقتصادی از مهمترین و اثرگذارترین بخش‌های اقتصادی کشور است که به همین دلیل رئیس کل محترم بانک مرکزی در اقدامی ارزنده، بلافاصله دستور ایجاد کمیته اجرایی نمودن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بانک مرکزی را صادر نمودند. آنچه که می‌تواند رسالت بانک‌ها را به عنوان یک محرک و مولد اقتصادی و هماهنگ با سایر متولیان اقتصادی کشور محقق نماید، بهره‌گیری از نیروی انسانی توانمند، خلاق، متعهد و بانگیزه است که به عنوان اصلی‌ترین پیشران اقتصادی در جوامع پیشرفته و اقتصادهای نوظهور به اثبات رسیده است. روحیات جهادی، انعطاف پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو، برون‌گرا، کارآفرین، نوآوری و دانش بنیانی، رقابت‌پذیری، اصلاح الگوی مصرف و... می‌تواند مختصات و مشخصه‌های این نوع اقتصاد را بیش از پیش برای ما روشن سازد. قدر مسلم آن است که برای داشتن اقتصادی مقاوم در برابر بحران‌ها، تهدیدها و تحریم‌ها، بر نظام بانکی است که حداقل دو وظیفه را در رأس امور خود قرار دهد. اول آنکه حرکت به



سمت تحقق واقعی بانکداری اسلامی و رفع خلأها و کمبودهای این بخش را سرلوحه تمامی مسئولیت‌ها و سیاستگذاری‌های خود قرار دهد و دوم آنکه با اتخاذ سیاست‌های مدبرانه و عالمانه از ثبات اقتصادی و آرامش نظام پولی کشور صیانت نموده، با مدیریت و هدایت نقدینگی جامعه در کانال تولید ملی، خودکفایی و استقلال اقتصادی را برای کشور به ارمغان می‌آورد.

راههای تحقق اقتصاد مقاومتی:

- 1- مقاومت فرماندهی متمرکز (مقاوت مدیرانه):** در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی باید به آسیب‌شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندیهای تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت و مرکز و محوری برای فعالیت در عرصه اقتصاد مقاومتی داشته باشیم.
- 2- اصلاح نظام آموزشی؛** نظام آموزشی ما متناسب با اقتصاد مقاومتی باید عمل کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کرد؛ اما متأسفانه در کشور ما این اتفاق به خوبی نمی‌افتد .
حال این سؤال مطرح است که نظام آموزشی در این زمینه چه کار کرده است؟ آیا فکری برای این دارد که فرزندان این مرزوبوم را جهادی بار آورد؟ آیا فکری به حال کتاب‌های درسی فرزندان این مملکت کرده است؟
بنابراین توجه به نظام آموزشی و تربیتی در این عرصه بسیار مهم و حیاتی است، زیرا که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی نیز از سالهای پیش رهنمودهای خویش را در این زمینه بیان نمودند .
- 3- اصلاح نظام تبلیغاتی؛** ما به نظام تبلیغاتی هماهنگ منسجمی احتیاج داریم که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیررسمی مختلف، به خوبی به مردم عرضه کند. حال در این خصوص این سؤال پیش می‌آید که رسانه‌های ما در این زمینه فقط در حد شعار عمل کردند یا کاری هم صورت گرفته است؟ این در حالی است که ما شاهد تبلیغات کالاهای غربی که مشابه ایرانی دارند به صورت انبوه هستیم؛ چرا مسئولین هنوز در حد شعار به فرامین مقام معظم رهبری نگاه می‌کنند؟ مشکل از کجاست؟
- 4- تحقق اقتصاد مردمی؛** ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان نادیده گرفت. اقتصاد مقاومتی ماهیت اقتصاد مردمی است. اگر قرار باشد ما اقدام در نهاد سازی اقتصاد مقاومتی داشته باشیم، هیچ لزوم ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد بلکه لزوم دارد مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. نهادهای اقتصادی مردمی می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند، اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولی مثبت در این عرصه شاهد خواهیم بود.



5- حمایت از فعالان اقتصادی؛ لزوم توجه و دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی است؛ اگر دولت در حالت عادی از فعالان اقتصادی و کارگران و کشاورزان و... حمایت کند آن وقت می توان انتظار داشت آنها هم در روز مبادا به کمک کشور بیایند. حال این سؤال پیش می آید دولت در زمینه حمایت از فعالان اقتصادی تا چه حد کار کرده است و باید چه کارهای دیگری را انجام دهد تا از فعالان در موقع ضرورت توقع داشته باشد؟

6- گفتمان سازی؛ لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی است. در اینجا به اهمیت جوانان و دانشگاه ها برای تحقق اقتصاد مقاومتی می رسیم. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست و این یک واقعیت هست و آن را باید تبدیل به فرهنگ و گفتمان کرد. بهترین الگو برای ایجاد رابطه بین فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، الگوبرداری از فرهنگ بسیج و دفاع هشت ساله ما در برابر همه دنیا است.

7- کاهش وابستگی به نفت؛ کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از نکات برای تحقق اقتصاد مقاومتی می باشد. این وابستگی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب "میراث شوم صد ساله ماست باید از بین برود". صنایع دانش بنیان از جمله کارهایی است که می تواند تا میزان زیادی این خلأ را پر کند. حمایت از تولیدکنندگان داخلی، ترویج مصرف کالاهای ایرانی در بازار مصرف و همچنین حمایت از صادرات غیرنفتی یکی از مؤلفه هایی است که موجب کاهش وابستگی اقتصاد به نفت می شود.

8- مدیریت مصرف؛ مسئله مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. همه باید به این مسئله توجه داشته باشیم یکی از جنبه های مصرف این است که از تولید داخلی حمایت کنیم باید سعی کنیم که از کالاهای داخلی استفاده کنیم و از مصرف کالاهای خارجی که مشابه داخلی دارند بپرهیزیم. در آخر باید به این نکته توجه کنیم که در اقتصاد مقاومتی همه وظیفه دارند در نوبه خود به وظایفشان عمل کنند، از کودک ایرانی گرفته تا مسئولین کشور.

اهم اقدامات نظام بانکی در اقتصاد مقاومتی

- افزایش اتحاد، همگرایی و انسجام نظام بانکی و ارتقای سطح همکاری های مجدانه در بازار بین بانکی با هدف تحقق هرچه بهتر برنامه های اقتصاد مقاومتی.

- شناسایی و حذف قوانین و مقررات پولی و بانکی معارض و دست و پاگیر در اجرای سیاست ها و برنامه های اقتصاد مقاومتی و تنظیم ضوابط جدید تسهیل کننده.

- هماهنگی با قوا و بخش های دیگر اقتصاد کشور خصوصاً هماهنگی با بازار سرمایه برای افزایش فعالیت هایی همچون عاملیت و پشتیبانی در انتشار اوراق بهادار اسلامی به منظور تامین مالی تولید داخلی و دستیابی بیشتر به خودکفایی اقتصادی در کشور.



- اتخاذ تدابیر هوشمندانه و سازو کارهای نوین و کار آمد برای کاهش حجم مطالبات معوق بانکی و تجهیز هر چه بهتر نظام بانکی
به منظور تأمین مالی بخش های تولیدی، کارآفرین و اشتغالزا و حمایت از توسعه بخش خصوصی و تعاونی در فعالیتهای اقتصادی
کشور با هدف افزایش سطح خودکفایی و کاهش وابستگی و نیاز کشور به واردات بی رویه.

- نظارت هر چه بیشتر در تخصیص اعتبارات خرد و تسهیلات مصرفی بانکی به منظور هدایت متقاضیان تسهیلات به خرید
کالاهای ایرانی.

- مدیریت هدفمند رژیم ارزی کشور و اتخاذ تدابیر کاهنده شوک های ارزی به منظور افزایش ثبات اقتصادی، حفظ سرمایه ها و
ایجاد فضای مطمئن برای برنامه ریزی صادرکنندگان کشور.

- مدیریت نقدینگی، کاهش تورم و حفظ ارزش پول ملی و قدرت خرید عموم جامعه با هدف حمایت و تقویت تولید ملی.
- ارتقای نظام سلامت، افزایش شفاف سازی، انجام نظارت، کنترل و حسابرسی داخلی جهت پیشگیری از پیدایش و گسترش
مفاسد اقتصادی همچون اختلاس، رانت خواری و ویژه خواری در نظام بانکی.

- استفاده بیشتر از ظرفیتهای سازمانها و بانکهای بین المللی و منطقه ای همچون بانک توسعه اسلامی - تقویت پیوندهای
راهبردی و همکاری های پولی و مالی با کشورهای منطقه و جهان به ویژه همسایگان جهت افزایش قدرت مقاومت و کاهش
آسیب پذیری نظام بانکی کشور.

- عدم وضع قوانین و مقررات جدید و یا سیاست گذاری های پولی و بانکی که به اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی توسط نهادهای
دیگر کشور ضربه وارد می سازد...

نتیجه گیری

اقتصاد مقاومتی یکی از ارکان «مکتب اقتصاد اسلامی» به حساب می آید که دیگر ارکان آن شامل «عدالت اقتصادی»، «تدبیر
معیشت» و «عقلانیت اقتصادی»، الگوی تولید، توزیع و مصرف اقتصادی است. حال اگر اقتصاد خالی از این ارکان باشد، دیگر
نمی توان آن را اقتصاد اسلامی نامید. پس اسلامیت اقتصاد متقوم به وجود معنویت، عدالت و عقلانیت برخاسته از فرهنگ اسلامی
در همه ی عرصه های تولید، توزیع و مصرف ثروت است. فرهنگی مبتنی بر معنویت و عدالت و عقلانیت دینی، فرهنگی مقاوم و
سالم و مقتدر هم خواهد بود. آن گاه حضور و جریان این فرهنگ در دیگر ابعاد جامعه و از جمله حضور فرهنگ در نظام سیاسی،
حضور فرهنگ در نظام فرهنگی و حضور فرهنگ در نظام اقتصادی موجب سلامت نظامات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خواهد
شد، و در بلند مدت نتیجه آن نمایان می شود.



با توجه به موقعیت مهم و ارزشمند ایران در منطقه و جهان و شرایط خاص منطقه -علی الخصوص بیداری اسلامی -سیستم های ناکارآمد و وضعی که کنترل آن ها در دست برخی از کشورهاست با ماهیت ایران متناسب نیست، اقتصاد مقاومتی می تواند تنها راه حل باشد.

عناصر، نیازمندی ها و الزامات چنین الگویی باید دقیقا مورد بررسی قرار گرفته و تبیین شود. البته، مشخص است که این امر نیازمند قدرت بخشی، از میان برداشتن خسارات، بازسازی ساختارها و سازمان های ناکارآمد و غلبه بر تفکر غلط در برخی سیاست گذاری های اقتصادی، حذف زمینه های فساد اقتصادی و افزایش کیفیت محصولات داخلی با ارتقاء فضای رقابتی و حذف انحصار و رانت ها که همگی نشان دهنده این است که اقتصاد مقاومتی نیازمند یک تلاش ملی است.

افزایش کیفیت خدمات بانکی اهمیت این موضوع در اینجاست که پس از رفع تحریم ها، نظام بانکی می تواند به فعالیتهای گذشته خود در حوزه عملیات بانکی بین المللی ادامه دهد. بانکها بعنوان واسطه گران مالی نقش حیاتی در تامین مالی و کمک به رشد اقتصادی برعهده دارند و اهمیت این مسئله زمانی قابل درک است، که به این موضوع توجه شود بار اصلی تامین مالی بنگاه های اقتصادی در ایران برعهده نظام بانکی است. بانکها با جلب مشارکت عموم مردم، تقویت روحیه خودباوری و محور قرار دادن رشد بهره وری در اقتصاد نقش مهمی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در حوزه ایجاد ثبات در اقتصاد دارد. و با حمایت از تولیدکنندگان و سرمایه گذاران بخش های مهم اقتصادی به اعطای تسهیلات مبادرت ورزد.

منابع و مأخذ

- ۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ۱۳۹۲/۱/۱
- ۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲
- ۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶
- ۶- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲
- ۷- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸
- ۸- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳
- ۹- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۵/۱۹
- ۱۰- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶

www.ISEAS.ir

www.Listjournal.ir

www.ConferenceList.ir

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



۱۱- پیغامی، عادل، مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی، تهران، ۱۳۹۰

۱۲- سایت: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان